



«جلال سبزی» - مدیرکل روابط عمومی شهرداری کرج - گفت:

ردیف بودجه پرداخت به نشریات محلی از مبلغ ۳ میلیارد به ۱۰ میلیارد در سال بعد افزایش یافته است. حمایت از رسانه‌هایی که در راستای فرهنگ‌سازی، آگاهی‌رسانی در حوزه مدیریت شهری فعالیت می‌کنند در دستور کار شهرداری قرار دارد.

وفاق یا هیا هو؟

«دنیای هوادار» از تصمیمات احساسی و رفتارهای آماتوری مریبان ایرانی می‌گوید؛

در جست‌وجوی شجاعت واقعی

بحران مریبگری

«دنیای هوادار» از ردپای سنگین آلاینده‌های شیمیایی در هوا، آب و غذا گزارش می‌دهد؛

اینجا نفس کشیدن گران تمام می‌شود!



یک گره کور دیگر در تعیین مزد و وعده‌هایی که نان نمی‌شود؛

افزایش مهاجرت به پایتخت فرهنگی ایران و پیامدهای آن؛

کارگران در منگنه معیشتی!

فرصتی برای تنوع یا تهدیدی برای اصالت؟

یاد و خاطره شهید،
به ویژه «شهید بهروز
جلال» که ۳ فروردین
۶۵ به مقام شامخ
شهادت نائل گشت،
گرامی باد



سرمقاله

وفاق با هیاهو؟

در جست و جوی شجاعت واقعی

مهرداد تیموری

در دنیای سیاست، همیشه دو گروه در مقابل هم صف آرای می‌کنند: آن‌هایی که از پشت تریبون‌ها با صدای بلند اعتراض می‌کنند، و آن‌هایی که در سکوت، به دنبال راه‌حل می‌گردند. برخی خیال می‌کنند فریاد زدن نشانه‌ی شجاعت است، اما آیا واقعاً چنین است؟ محمدجواد ظریف، دیپلماتی که سال‌ها در قلب دیپلماسی ایران نقش داشته، اخیراً جمله‌ای گفت که ارزش تأمل دارد: «جیب زدن شجاعت نمی‌خواهد، بلکه توافق کردن شجاعت می‌خواهد.» این جمله بیش از آنکه یک دیدگاه شخصی باشد، تصویری از وضعیت کنونی سیاست ایران و جهان است. اما چرا این جمله مهم است و چه مفهومی در پس آن نهفته است؟

در فضای سیاست، توافق کردن همیشه دشوارتر از هیاهو کردن است. وقتی صدای مخالفت بلند می‌شود، کف و سوت‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی همه در خدمت آن قرار می‌گیرند. اما وقتی کسی در پی راه‌حلی برای خروج از بحران است، کارش سخت‌تر است؛ چون باید نه تنها مشکلات واقعی را حل کند، بلکه با موج‌هایی از تخریب و بی‌اعتمادی هم مقابله کند.

شجاعت، آن چیزی نیست که در شعارها و توییت‌ها دیده می‌شود. بلکه شجاعت یعنی بتوانی در بحرانی‌ترین شرایط، آرام بمانی، چالش‌ها را شناسایی کنی و برای آن‌ها راه‌حل پیدا کنی، حتی اگر در این مسیر مجبور شوی انتقادهای را بپذیری. یکی از جملات کلیدی ظریف این بود: «عموماً منفعت شخصی و منفعت مردم در یکجا قابل جمع نیست و باید بین این دو یکی را انتخاب کنیم.» این جمله، آینه‌ای از مشکلات ساختاری در سیاست‌گذاری کشور است. بسیاری از سیاستمداران، منافع شخصی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند و این همان نقطه‌ای است که باعث شکاف و تفرقه در جامعه می‌شود. وفاقی که مبتنی بر منافع مردم نباشد، چیزی جز یک نمایش سیاسی نخواهد بود. برای درک بهتر این مسئله کافی است نگاهی به بحران‌های موجود بیندازیم. آیا اختلافات جناحی و سیاسی کمکی به حل مشکلات معیشتی مردم کرده است؟ آیا آن‌هایی که شعار می‌دهند و جیب می‌زنند، راهکاری برای عبور از بحران‌ها ارائه داده‌اند؟ یا فقط به دنبال افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و تثبیت جایگاه خود در فضای سیاسی‌اند؟

«فحش‌ها مثل حباب روی آب است»

یکی دیگر از نکات ظریف این بود که «فحش‌ها که در مسیر حل بحران‌ها و مشکلات مردم و ایجاد وفاق می‌خوریم، مثل حباب روی آب است و می‌رود، اما آنچه به نفع مردم است، ماندنی است.» این جمله نشان می‌دهد که سیاستمداران واقعی نباید از انتقادهای و هجمه‌های رسانه‌ای بترسند. اما آیا همه سیاستمداران ما چنین صبر و استقامتی دارند؟ این روزها فضای رسانه‌ای ایران پر از کسانی است که بیش از آنکه به راه‌حل فکر کنند، به دنبال هیاهو و دو قطبی‌سازی جامعه‌اند. هرکسی که دست روی مسئله‌ای بگذارد، از سوی عده‌ای مورد حمله قرار می‌گیرد. اما تاریخ نشان داده است که در نهایت، آن‌هایی که برای منافع مردم کار می‌کنند، فارغ از اینکه چقدر مورد حمله قرار بگیرند، تأثیرگذار خواهند بود.

مسئله‌ی وفاق و همدلی میان نهادهای حاکمیتی، همیشه یکی از چالش‌های بزرگ سیاست ایران بوده است. هرچند در مقاطع حساس، گاهی نشانه‌هایی از اتحاد دیده می‌شود، اما در بسیاری از موارد، این وفاق شکننده و موقتی است. چرا؟ چون توافق واقعی نیازمند شجاعت، گذشت، و اولویت دادن به منافع ملی است. متأسفانه برخی سیاستمداران و صاحبان قدرت، وفاق را تنها زمانی قبول دارند که مطابق میل آن‌ها باشد. در غیر این صورت، با انواع کارشکنی‌ها، مانع از تحقق آن می‌شوند. این نگاه، بیش از آنکه راهگشا باشد، باعث عمیق‌تر شدن بحران‌ها می‌شود. آینده‌ی ایران، نه با شعارهای تند و تیز، که با تصمیم‌های عاقلانه و شجاعت در توافقات ساخته خواهد شد. اما سوال اصلی اینجاست: آیا سیاستمداران حاضرند برای تحقق وفاق واقعی، از منافع شخصی خود بگذرند؟ یا همچنان ترجیح می‌دهند در دایره‌ی تکراری شعارها و هیاهوها باقی بمانند؟

روییو خواستار فشار بر ایران شد

«مارکو روبیو» وزیر خارجه ایالات متحده- در مصاحبه‌ای به سیاست خارجی دولت دوم ترامپ پرداخت و به مسئله کانال سوئز و تعرفه‌های آمریکا علیه همسایگانش اشاره کرد و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا را نهادی مغایر منافع ملی خواند. او برای ونزوئلا هم خط و نشان کشید و خواستار تغییر نظام در کوبا شد و ادعاهایی علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مطرح کرد.

از وزیر خارجه آمریکا همچنین پرسیده شد که آیا انتظار دارد که کمپین «فشار حداکثری» دوباره علیه ایران اجرا شود؟ روبیو با زیر سوال بردن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و بیان ادعاهایی گفت: «فکر می‌کنم ما باید فشار بیشتری بر ایران وارد کنیم تا زمانی که آن‌ها فعالیت‌هایی را که انجام می‌دهند، متوقف کنند. این فعالیت‌ها چه هستند؟ آن‌ها در نهایت در تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای هستند.»



دنیایک سوآدار

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۱۷۴۸

رویداد

بین‌الملل

ذره‌بین بر روی گفته‌های ترامپ؛

چشم طمع عمو سام به منابع طبیعی کمیاب اوکراین!



کمک‌های خود به اوکراین ادامه دهد و منابع مالی را برای این کشور تامین کند، کی‌یف هم باید یکسری تضمین‌هایی ارائه کند.

رئیس جمهور آمریکا ادامه داد: «ما به دنبال توافقی با اوکراین هستیم که بر اساس آن، آن‌ها هم بتوانند به ما چیزی در ازای کمک‌هایمان بدهند.»

ترامپ در روزهای گذشته تمامی برنامه‌های کمک خارجی را از سوی آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا متوقف کرد. این آژانس همچنین بر برنامه‌های بیشمار کمک رسانی به اوکراین نظارت داشته است.

در واکنش به این تصمیم از سوی ترامپ، قانونگذاران اوکراینی از اتحادیه اروپا خواستند تا جای آمریکا را در این کمک رسانی بگیرد و اعلام کردند که کمک‌های خارجی یک بخش مهمی برای توسعه و ثبات دموکراتیک در اوکراین است.

آن‌ها همچنین اعلام کردند که با این تصمیم ترامپ، دریافت کنندگان کمک‌های آمریکایی در اوکراین بدترین ضربه را خورده‌اند.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه منتشر شد به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که کی‌یف کمی بیش از ۷۵ میلیارد دلار کمک نظامی و سایر انواع کمک از واشنگتن دریافت کرده است.

او درباره اظهارات قبلی ترامپ که گفته بود ایالات متحده به کی‌یف «۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر از اتحادیه اروپا کمک کرده است، توضیح داد و ادعا کرد که نمی‌دانسته این برآورد از کجا

ترامپ گفته، اگر اوکراین به دنبال ادامه دریافت کمک‌های آمریکاست باید منابع طبیعی با ارزش و کم نظیر خود را در اختیار واشنگتن قرار دهد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا همچنین گفت: اوکراین باید با آمریکا وارد توافقی جدید شود و تضمین‌هایی را به واشنگتن ارائه کند تا بتوانیم کمک‌ها را به این کشور ادامه دهیم.

به نقل از شبکه خبری راشاتودی، بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۲۴، اوکراین پتانسیل بسیار زیادی به عنوان تامین کننده جهانی مواد خام حیاتی دارد که می‌تواند برای صنایع دفاعی، فناوری پیشرفته و انرژی سبز ضروری باشد.

اوکراین دارای بزرگترین ذخایر تیتانیوم در اروپا است که ۷ درصد ذخایر جهانی را شامل می‌شود. قبل از جدی شدن درگیری با مسکو در سال ۲۰۲۲، اوکراین یک تامین کننده کلیدی تیتانیوم برای صنایع نظامی بود.

فهرست فلزات زمینی کمیاب که در اوکراین یافت می‌شوند شامل بریلیم، منگنز، گالیم، اورانیوم، زیرکونیوم، گرافیت، آپاتیت، فلوریت و نیکل است. این کشور همچنین دارای بزرگترین ذخایر تایید شده لیتیوم اروپا است که حدود ۵۰۰ هزار تن تخمین زده می‌شود. این ماده معدنی به ویژه برای استفاده در باتری‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ترامپ در جمع خبرنگاران گفت: «اوکراین کشوری با غنی‌ترین و بی‌نظیرترین منابع معدنی است. برای اینکه آمریکا به

«واشنگتن پست»: دیگر صحبتی درباره حمله به ایران وجود ندارد

و همچنین بیان کرد نتانیاهو ممکن است برای تمدید مرحله اول توافق آتش‌بس درخواست و استدلال کند که تداوم کنترل حماس بر غزه کار را برای پیگیری مراحل بعدی آتش‌بس غیرممکن می‌کند.

۱۹ ژانویه توافق آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و حماس اجرایی شد و در مرحله اول که ۶ هفته طول می‌کشد، چهار مرتبه تبادل اسرا میان ۲ طرف صورت گرفت و در مجموع ۱۳ اسیر صهیونیست و ۵ اسیر تایلندی در ازای آزادی ۵۸۳ اسیر فلسطینی، آزاد شدند.

قرار بود مذاکرات درباره مرحله دوم آتش‌بس شانزدهمین روز از اجرای مرحله اول توافق شروع شود اما با وجود اعلام آمادگی حماس، رژیم صهیونیستی هنوز تیم مذاکره‌کننده خود را به دوحه، محل برگزاری مذاکرات نفرستاده است و نتانیاهو ارسال آن را به بعد از دیدار با ترامپ موکول کرده است.

تلشیر همچنین اظهار کرد که ممکن است نتانیاهو با خواسته‌های ترامپ با توجه به فشارهایی که این رئیس جمهور ایالات متحده تا کنون به واسطه ویتکاف و ۲ بار فرستادن او به منطقه در ماه گذشته میلادی اعمال کرده تن در دهد.

ترامپ همچنین گفته خواستار آن است که اسرائیل و عربستان روابط خود را در راستای یک چانه‌زنی بزرگ در غرب آسیا عادی سازند.

مقام‌های عربستانی گفته‌اند که چنین گامی مستلزم وجود یک مسیر روشن به سمت ایجاد کشور فلسطین است.

مقام اسرائیلی گفت: «ترامپ معتقد است که صلح منطقه‌ای ممکن است، و بی‌بی‌سی خواهد با او در موضع یکسانی قرار بگیرد.»

ترامپ بر سر رویکرد مربوط به ایران نیز ابهام وجود داشته و مشخص نیست که آیا آن‌ها در خصوص چگونگی این رویکرد توافق می‌کنند یا خیر.

این مقام اسرائیلی عنوان کرد: «دیگر صحبتی درباره حمله به ایران وجود ندارد.»

به نوشته واشنگتن پست «بلافاصله بعد از آنکه ایران در ماه اکتبر موشک‌های بالستیک را به اسرائیل شلیک کرد کابینه اسرائیل برنامه‌هایی برای دست زدن به حمله مشترک بالقوه‌ای با ایالات متحده به تاسیسات هسته‌ای تهران تدوین کرد.»

اما به نوشته واشنگتن پست مقام مذکور اظهار کرد دولت جدید ایالات متحده روی یک هدف متفاوت در منطقه متمرکز است و این هدف مستلزم پایان دادن به جنگ است. مقام اسرائیلی مورد استناد واشنگتن پست ادامه داد: «ترامپ علاقمند به بازسازی غزه بر مبنای یک توافق منطقه‌ای با امارات متحده عربی و عربستان سعودی است. نتانیاهو خلاف میل ترامپ عمل نخواهد کرد.»

واشنگتن پست همچنین نوشت: «گابریل تلشیر، استاد علوم سیاسی در دانشگاه عبری گفت یک پرسش کلیدی این است که تیم ترامپ تا چه حد برای پایبند ساختن نتانیاهو به توافق آتش‌بس غزه که نهایتاً قرار است به موضوع اداره کنندگان و بازسازی کنندگان این باریکه بپردازد، فشار وارد خواهد کرد.

او گفت: «این که ترامپ به بی‌بی‌سی (نتانیاهو) بگوید باید به جنگ پایان داده و گروهان‌ها (اسرائیل صهیونیست تحت کنترل حماس) را در مقطعی بازگردانی یک چیز است و اینکه به او بگوید که نه تو قرار نیست دوباره به جنگ برگردی چیز دیگری است. ویتکاف باید نسبت به نتانیاهو سختگیری کند چون پایان دادن به جنگ به معنی برگزاری انتخابات جدید در اسرائیل است.»



روزنامه آمریکایی به نقل از یک مقام صهیونیست ضمن اشاره به وجود ابهام از بابت توافق نتانیاهو و ترامپ بر سر رویکرد مربوط به ایران گزارش داد «بنیامین نتانیاهو» در جریان دیدار امروز خود با «دونالد ترامپ» به دنبال گرفتن تضمین از این رئیس جمهور آمریکا مبنی بر این است که حماس نمی‌تواند دیگر بخشی از غزه باشد.

«بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی بعد از آنکه تبدیل به اولین رهبر خارجی دعوت شده به کاخ سفید در دولت دوم دونالد ترامپ شد از روز دوشنبه سفری یک هفته‌ای را به ایالات متحده آغاز کرد.

او که روز دوشنبه به دیدار «استیو ویتکاف»، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور غرب آسیا رفت امروز قرار است با این رئیس جمهور آمریکا دیدار و بر سر توافق آتش‌بس حاصل شده برای جنگ غزه و اجرایی کردن آن مذاکرات داشته باشد. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گزارش داد یک مقام صهیونیستی که نامش را فاش ناساخت، گفت: «نتانیاهو تلاش دارد یک چارچوب متفاوت برای مرحله دوم توافق آتش‌بس به دست آورده یا از ترامپ تضمین‌هایی بگیرد مبنی بر اینکه حماس نمی‌تواند بخشی از غزه جدید باشد.» به نوشته این روزنامه آمریکایی از بابت توافق نتانیاهو و



بزرگ‌ترین رزمایش مشترک مدیریت بحران استان برگزار شد

سرپرست اداره مطالعات بحران و پدافند غیر عامل شهرداری کرج، از برگزاری بزرگ‌ترین رزمایش سراسری مدیریت بحران با شعار الی بیت المقدس در بزرگراه در حال تکمیل شهید حاج قاسم سلیمانی خبر داد. کمیل مرادی در گفت‌وگو با خبرنگار کرج امروز، با اشاره به اینکه این رزمایش با پشتیبانی شهرداری کرج برگزار شده است، عنوان کرد: تمامی نیازهای اجرایی رزمایش به دستور شهردار کرج تأمین شد و با تلاش پرسنل اداره مطالعات بحران و پدافند غیرعامل شهرداری، این مانور بی‌سابقه در سطح استان اجرا شد. مرادی، با تأکید بر حضور تمامی دستگاه‌های اجرایی استان در این رزمایش افزود: مانور با هدف شناسایی ظرفیت‌های دستگاه‌های مختلف در مواجهه با بحران‌های طبیعی و حوادث غیرمترقبه برگزار شد.

افزایش مهاجرت به پایتخت فرهنگی ایران و پیامدهای آن؛ فرصتی برای تنوع یا تهدیدی برای اصالت؟

یاسمن ناظری

در سال‌های اخیر، موج مهاجرت به اصفهان شدت گرفته است. دلایل این امر می‌تواند در فرصت‌های شغلی، کیفیت بالاتر زندگی، زیرساخت‌های نسبتاً بهتر و موقعیت استراتژیک این شهر جست‌وجو کرد. اصفهان از نظر صنعتی یکی از قطب‌های مهم کشور محسوب می‌شود و به همین دلیل، افراد بسیاری از استان‌های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، لرستان، خوزستان و حتی سیستان و بلوچستان به این شهر مهاجرت کرده‌اند. موضوع فقط مهاجرت نیست، بلکه نحوه ادغام فرهنگی و اجتماعی مهاجران با جامعه میزبان بومی اصفهان است که چالش‌ساز شده است. روندهای مهاجرتی همیشه با خود تغییرات فرهنگی می‌آورد. اما وقتی این تغییرات بدون مدیریت و هماهنگی رخ دهند، به جای هم‌افزایی فرهنگی، شاهد نوعی شکاف اجتماعی و دگرگونی هویت شهری خواهیم بود. یکی از مهم‌ترین تبعات مهاجرت دگرگونی در سبک زندگی شهری است. اصفهان، که همواره به سنت‌های خود پایبند بوده، حالا در بسیاری از محله‌ها شاهد تغییراتی در رفتارهای اجتماعی، آداب و رسوم و حتی الگوهای ارتباطی است. برخی شهروندان بومی معتقدند که اصفهان دیگر آن شهری نیست که روزگاری آرامش و اصالت فرهنگی‌اش زیان‌زد بود.

تنش‌های فرهنگی یکی دیگر از پیامدهای این وضعیت است. تقابل میان سنت‌های بومی اصفهان و فرهنگ مهاجران، گاهی به سوءتفاهم‌ها و اختلافات اجتماعی منجر شده است. تفاوت در نوع پوشش، شیوه تعاملات اجتماعی و حتی سبک معماری محله‌ها، نشانه‌های این تغییرات را می‌توان در مناطق مختلف شهر مشاهده کرد. از سوی دیگر، اصفهان در حال از دست دادن بخشی از هویت فرهنگی خود است. اگرچه ورود فرهنگ‌های جدید می‌تواند به غنای فرهنگی شهر کمک کند، اما عدم مدیریت این جریان‌ها باعث می‌شود که برخی سنت‌ها و هنجارهای بومی به حاشیه رانده شوند. برای مثال، محله‌های قدیمی که روزگاری به داشتن سبک خاصی از زندگی شناخته می‌شدند، حالا تحت تأثیر موج جدید مهاجران دچار تغییرات سریع شده‌اند.

در مواجهه با این وضعیت، اولین و مهم‌ترین اقدام مدیریت فرهنگی مهاجرت است، نه مقابله با آن. مهاجرت یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است و به جای نگرانی از آن، باید با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح آن را به فرصتی برای توسعه تبدیل کرد.

۱. برنامه‌های همگرایی فرهنگی: ایجاد برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی که بتواند اشتراکات میان فرهنگ بومی اصفهان و مهاجران را تقویت کند، راهی برای کاهش شکاف‌های اجتماعی است. برگزاری جشنواره‌های مشترک، کارگاه‌های فرهنگی و حتی پروژه‌های هنری می‌تواند به ایجاد درک متقابل میان ساکنان قدیمی و جدید کمک کند.

۲. آموزش و آگاهی‌بخشی: یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش تنش‌های فرهنگی، آموزش شهروندی برای هر دو گروه است. از یک‌سو، مهاجران باید با قوانین و عرف‌های اجتماعی اصفهان آشنا شوند و از سوی دیگر، شهروندان بومی نیز باید رویکردی پذیرا و منعطف‌تر نسبت به تغییرات اجتماعی داشته باشند.

۳. تمرکز بر سیاست‌های شهری هوشمند: توسعه شهری بدون برنامه‌ریزی، فقط به تشدید بحران فرهنگی می‌انجامد. توزیع متوازن جمعیت در سطح شهر، ایجاد امکانات فرهنگی و تفریحی متناسب با نیازهای همه ساکنان و تقویت حس تعلق شهری از جمله اقداماتی است که می‌تواند اثرات منفی مهاجرت را کاهش دهد.

۴. احیای هویت تاریخی و فرهنگی اصفهان: در کنار همه‌ی این اقدامات، نباید فراموش کرد که اصفهان باید حافظ هویت فرهنگی و تاریخی خود باشد. ثبت و پاسداشت میراث فرهنگی، توجه به معماری بومی و ترویج ارزش‌های سنتی در کنار پذیرش تحولات جدید، می‌تواند به حفظ تعادل در بافت اجتماعی شهر کمک کند.

مهاجرت به اصفهان، اگرچه چالش‌هایی را به همراه داشته، اما در عین حال می‌تواند یک فرصت برای توسعه فرهنگی و اجتماعی این شهر باشد. اگر سیاست‌گذاری درستی انجام شود، می‌توان از تنوع فرهنگی برای تقویت همبستگی اجتماعی، رشد اقتصادی و پویایی فرهنگی بهره برد. اما اگر این روند بدون برنامه پیش رود، به جای هم‌افزایی فرهنگی، شاهد تنش‌های اجتماعی و تضعیف هویت اصفهان خواهیم بود. انتخاب با ماست: اصفهان آینده، شهری پویا و متعادل خواهد بود یا شهری درگیر بحران‌های فرهنگی و اجتماعی؟

از البرز، چه خبر؟

با هدف احیای هویت تاریخی و فرهنگی شهر کرج؛

تلاش شهرداری برای احیای هویت تاریخی و فرهنگی



کیانی گفت: هدف از اجرای این پروژه تبدیل میدان شاه عباسی به یک نقطه ثقل فرهنگی در شهر کرج است. فضایی که علاوه بر ایجاد امکان پیاده روی و گردشگری برای شهروندان، بتواند به احیای هویت تاریخی و فرهنگی شهر نیز کمک کند. شهردار کرج ضمن عذرخواهی از کسبه و اهالی محل به خاطر مشکلاتی که برای آنها در اجرای پروژه ایجاد شده، افزود: قطعا اجرای اینگونه پروژه‌ها می‌تواند یکی از جذابیت‌های شهر کرج در آینده نزدیک شود و مدیریت شهری کرج در تلاش است تا به جد پروژه‌های عمرانی را در زمان خود و به سرعت تکمیل کند تا شهروندان از مزایای آن بهره مند شوند. وی در پایان ابراز امیدواری کرد، با اجرای کامل این پروژه و همکاری هرچه بیشتر شهروندان و مسئولان، پیاده راه شاه عباسی به یکی از نقاط عطف شهر کرج تبدیل شود و بتواند نقش مهمی در توسعه فرهنگی و گردشگری این شهر ایفا کند.

پروژه پیاده راه شاه عباسی در کرج، که با هدف احیای هویت تاریخی و فرهنگی این شهر در حال اجراست، با استقبال و حمایت بسیاری از سوی شهروندان و مسئولان روبرو شده است. مهرداد کیانی، شهردار کرج، در برنامه «البرز من سلام» در خصوص پیاده راه شاه عباسی گفت: این پروژه که در حوالی میدان شاه عباسی در حال اجراست، با ایجاد فضایی مناسب برای پیاده روی و گردشگری، می‌تواند به یکی از جاذبه‌های اصلی شهر کرج تبدیل شود. شهردار کرج در ادامه این برنامه رادیویی با تأکید بر اهمیت تاریخی و فرهنگی میدان شاه عباسی، گفت: شهر کرج یک شهر با اصالت و تاریخی است و میدان شاه عباسی و کاروانسرای شاه عباسی با قدمت چند صد ساله می‌تواند به یک جاذبه فرهنگی و تاریخی شهر تبدیل شود.

برگزاری یادواره شهدا اثربخش‌ترین کار فرهنگی است

سعیدی سیرانی با تأکید بر اینکه برگزاری یادواره‌های شهدا یک حرکت فرهنگی مستمر است و اثربخش‌ترین کار فرهنگی محسوب می‌شود، گفت: علیرغم تبلیغات جعلی و تقلبی دشمنان، مقاومت اثبات کرد که راه پیروزی راهبردی و سربلندی و فتح نهایی از آن مقاومت است و این درس برای همه آیندگان و برای همه ملت‌های آزادیخواه است که در راه آرمان‌های خود مقاومت می‌کنند.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر کرج با بیان اینکه گرامیداشت یاد و خاطره شهدا وظیفه همگانی است و باید سیره شهدا در جامعه و به‌ویژه برای نسل جوان و آحاد مردم باز نشر شود، بیان داشت: برگزاری یادواره‌ها و تجلیل از خانواده شهدا و ایثارگران در همین مسیر است و این کار برای شهدا اجر و پاداش اخروی را به همراه خواهد داشت و هر کس می‌تواند برای برگزاری کنگره مفید باشد باید پای کار بیاید و خداوند متعال و شهدا اجر آن‌ها را خواهند داد.

مختلف این مراسم تشکر و قدردانی کرد. حسین سعیدی سیرانی در مراسم سروهای ایستاده، اولین یادواره شهدای خانواده سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج ضمن تبریک دهه مبارک فجر و اعیاد شعبانیه اظهار داشت: سالروز پیروزی انقلاب، یادآور ایثار و از خودگذشتگی مردان و زنانی است که با ایمان راسخ خود، آینده‌ای درخشان را برای این مرز و بوم رقم زدند. وی با بیان اینکه درخت تنومند انقلاب اسلامی با خون شهیدان سیراب شده است، افزود: جمهوری اسلامی ایران، با پشتوانه ایمان مردم و با رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به پیشرفت و تعالی روزافزون خود ادامه می‌دهد. حضور شورای اسلامی شهر کرج بیان داشت: ما مصمم هستیم تا با پاسداشت ارزش‌های انقلاب و با بهره‌گیری از توانمندی‌های جوانان و نخبگان کشور، آرمان‌های والای امام راحل (ره) و شهدای گرانقدر را محقق کنیم.



رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر کرج در مراسم اولین یادواره شهدای خانواده سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج با اشاره به اینکه تجلیل از خانواده‌های معزز و معظم شهدای مجموعه مدیریت شهری کرج و مرور خاطرات شهدای دفاع مقدس از جمله مهم‌ترین برنامه‌های این مراسم است، از حسن سلیقه دست اندرکاران در اجرای متنوع بخش‌های

یادواره شهدا موجب ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت می‌شود



و شهادت و همچنین تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی در تبلیغات محیطی شهر با استفاده از روش‌های نوین و خلاقانه نقش مؤثری ایفا کنیم.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج بیان داشت: مدیریت شهری کرج از تمام توان و ظرفیت خود در بخش‌های مختلف برای برگزاری مراسم‌هایی در شأن شهدای والامقام استان البرز استفاده خواهد کرد.

عاقلی ضمن تجلیل از جانباز ۷۰ درصد شیمیایی، احمد سلیمی از مدیران سابق سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج از تعدادی از خانواده شهدای سازمان تقدیر کرد.

وی با بیان اینکه یادواره شهدا فرصتی برای انتقال مفاهیم ایثار به نسل آینده است، گفت: مراسم سروهای ایستاده با هدف تجلیل از شهدای خانواده سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج برنامه‌ریزی شده و در همین مسیر با توجه به رویکرد مجموعه مدیریت شهری کرج وظیفه خود می‌دانیم به منظور ترویج فرهنگ ایثار

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج گفت: خانواده‌های شهدا مظهر ایستادگی، مقاومت، عزت و عظمت هستند، شهامت و استقامت شهدا و ایثارگران مایه افتخار ما است.

علیرضا عاقلی در حاشیه مراسم سروهای ایستاده، اولین یادواره شهدای خانواده سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج که همزمان با سالروز ولادت سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) و روز پاسدار در مجموعه فرهنگی میلاد شهرداری کرج برگزار شد، اظهار کرد: استان البرز قرار است در بیستم مهرماه، ۱۴۰۴ کنگره پنج هزار و ۵۰۰ شهید دفاع مقدس و مدافع حرم خود را برگزار کند. وی افزود: از آنجا که ترویج فرهنگ، ایثار و شهادت یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین پدیده‌های فرهنگی است، این یادواره می‌تواند موجب ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت شود.

مقاومت آرتین قهرمان شد

اصغر قلندری

رقابت‌های والیبال لیگ دسته ۲ کشور از نیمه دوم آبان‌ماه ۱۴۰۳ به صورت رفت و برگشت، با حضور ۲۴ تیم در ۴ گروه ۶ تیمی برگزار شد. پس از انجام ۱۲۳ بازی، از هر گروه دو تیم به مرحله یک‌چهارم نهایی صعود کردند.

مرحله نهایی این مسابقات به میزبانی باشگاه والیبال بهاران و هیأت والیبال شهرستان کاشان، با حضور ۸ تیم صعودکننده شامل مارال کرمان، میلاد طبرستان، اوج ساحل قشم، مقاومت آرتین، سرو زنگان، مهرگان شیراز، بهاران کاشان و مدرسه والیبال پازش در دو گروه ۴ تیمی برگزار شد. در نهایت، چهار تیم مقاومت آرتین، سرو زنگان، مهرگان شیراز و مارال کرمان به مرحله نیمه‌نهایی راه یافتند. دیدارهای صریدری، رده‌بندی و فینال این رقابت‌ها در روزهای ۱۲ و ۱۳ بهمن‌ماه برگزار شد که در پایان، تیم مقاومت آرتین با غلبه بر مهرگان شیراز، قهرمان این دوره از مسابقات شد. مهرگان شیراز نایب‌قهرمان شد و سرو زنگان با شکست مارال کرمان به مقام سوم دست یافت. جا دارد از حمایت مالی مهدی بارفروش، مدیرعامل باشگاه بهاران کاشان در راستای توسعه والیبال بانوان کشور، و همچنین زحمات زهرا جعفرزاده، سرمربی تیم بهاران کاشان که با قبول میزبانی مرحله نهایی، جنب‌وجوشی در جامعه والیبال این شهرستان ایجاد کرد و مسابقات را به بهترین شکل برگزار کرد، قدرانی کنیم. از نکات قابل توجه این رقابت‌ها، حضور خانم توکلی، عضو کمیته فنی سازمان لیگ، داوران فدراسیون، و دکتر علیرضا زمانی، رئیس هیئت والیبال استان اصفهان در بازی‌های فینال و مراسم اختتامیه بود که رونق خاصی به این رقابت‌ها، به‌ویژه در بخش والیبال بانوان، بخشید. همچنین، همکاری هیأت والیبال کاشان و دکتر مهدی‌زاد، رئیس هیأت والیبال شهرستان کاشان، در برگزاری این رقابت‌ها ستودنی است.



درخواست عضویت جوان بخت

در کیک بوکسینگ واکو ایران

علی جوان بخت از ورزشکاران کیک بوکسینگ، با ارسال نامه ای از درخواست عضویت خود در کیک بوکسینگ واکو ایران خبر داده است. متن این نامه به شرح ذیل است: اینجانب علی جوان بخت از ورزشکاران کیک بوکسینگ در ایران که تاکنون در فدراسیون انجمن های ورزشهای رزمی در سبک نیوفایت کیک بوکسینگ فعالیت داشته، بدینوسیله انصراف خود را از ادامه هرگونه همکاری با این فدراسیون و بیگ نیوفایت کیک بوکسینگ اعلام داشته و از انجمن کیک بوکسینگ واکو به ریاست آقای ناصر نصیری تقاضای عضویت نمودم. همچنین اعلام نموده که پس از سال‌ها فعالیت در فدراسیون کونگ فو، به این نتیجه رسیدم که به صلاح اینجانب می باشد که با کیک بوکسینگ واکو ایران که تشکیلاتی معتبر به ریاست آقای ناصر نصیری، عضو رسمی کنفدراسیون آسیا (واکو آسیا) و سازمان جهانی واکومی باشد، فعالیت نمایم. همچنین تایید می نمایم این اطلاعیه را با صراحت تکمیل نموده و این تصمیم با توجه به معرفی انجمن کیک بوکسینگ واکو به عنوان متولی ورزش کیک بوکسینگ در ایران و همچنین عضویت رسمی کیک بوکسینگ واکو ایران در کنفدراسیون کیک بوکسینگ آسیا (واکو آسیا) که عضو رسمی شورای المپیک آسیا است و از طرف آن نهاد بین المللی به عنوان مسئول ورزش کیک بوکسینگ در آسیا منصوب گردیده و اینکه سازمان جهانی واکو عضو رسمی گایسف و کمیته بین المللی المپیک بوده، گرفته شده است. اینجانب علی جوان بخت متعهد می شوم که کلیه ضوابط و مقررات انجمن کیک بوکسینگ واکو ایران، کنفدراسیون کیک بوکسینگ آسیا (واکو آسیا) و سازمان جهانی واکو را در سطوح و مراحل فعالیت خود با حفظ امانت و صیانت رعایت نمایم.

۴۸.۷ درصد از کودکان کار و خیابان بازمانده از تحصیل هستند

«علی‌ربعی»- دستیار اجتماعی رئیس جمهور- با تاکید بر اینکه توجه به کودکان توجیه به آینده کشور است، گفت: ۴۸.۷ درصد از کودکان کار و خیابان بازمانده از تحصیل هستند و حدود ۲۱ درصد از این کودکان سوءتغذیه دارند. مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات ناشی از تداخل‌ها و مسئولیت‌ناپذیری دستگاه‌ها است و از دهه ۷۰ تا سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۰ طرح با عنوان ساماندهی، سازماندهی یا طرح‌های مداخله‌ای داشتیم که شکست خورده بودند. واکاوی‌ها نشان می‌داد که شکست‌ها ناشی از عدم هماهنگی و حتی خنثی‌سازی عملکرد میان دستگاه‌ها و به عبارتی آزار ساختارها بود همچنین علت دیگر نیز فراموشی بروکراتیک و نگاه‌های مقطعی بوده است. علت مهم دیگر در شکست طرح‌ها، سیاست‌گذاری‌های ناقص بوده است، از جمله سیاست‌گذاری در حوزه کودک بسیار مهم است که تاکنون به صورت ناقص انجام شده است.



جمعه

دنیایک سوآدار

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ شمارگان ۱۷۴۸

داستان جلد

«دنیای هوادار» از رد پای سنگین آلاینده‌های شیمیایی در هوا، آب و غذا گزارش می‌دهد؛

اینجا نفس کشیدن گران تمام می‌شود!



و صنعتی رفته‌اند، در ایران همچنان بر توسعه صنعتی بی‌ضابطه تاکید می‌شود. قوانین مربوط به کنترل آلاینده‌ها به اندازه‌ای ضعیف و غیرشفاف هستند که حتی اجرای همان حداقل‌ها نیز با مشکل مواجه است. سازمان حفاظت محیط‌زیست در شرایطی قرار دارد که اختیارات محدودی در برابر صنایع آلاینده دارد و حتی در مواقعی تحت فشار قرار می‌گیرد که نسبت به فعالیت‌های مخرب محیط‌زیستی صنایع حساسیت نشان ندهد. در چنین وضعیتی، آینده محیط‌زیست ایران در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

آیا وقت آن نرسیده که پیش از آنکه خیلی دیر شود، زنگ‌های خطر را جدی بگیریم؟ آیا دولت و صنایع حاضرند از منافع کوتاه‌مدت خود بگذرند تا آینده‌ای سالم‌تر برای مردم بسازند؟ یا همچنان باید شاهد افزایش آلاینده‌هایی باشیم که درون بدن‌های ما رسوخ می‌کنند، بی‌آنکه دیده شوند؟

در محاصره سموم، سکوت مرگبار است

آلودگی‌های محیط‌زیستی دیگر یک مسئله جانبی نیستند. این یک بحران تمام‌عیار است که نه تنها زندگی روزمره مردم، بلکه آینده نسل‌های بعدی را نیز تهدید می‌کند. اگر سیاست‌های جدی برای کنترل آلاینده‌های شیمیایی اتخاذ نشود، در آینده‌ای نه‌چندان دور، ایران به کشوری بدل خواهد شد که نفس کشیدن در آن به یک چالش دائمی تبدیل می‌شود.

سؤال اینجاست: آیا هنوز فرصتی برای نجات باقی مانده است؟ یا باید منتظر باشیم تا زمانی که هوایی برای نفس کشیدن نمانده باشد؟

اما اگر تصور می‌کنید که بحران آلودگی

محیط‌زیستی فقط به هوای آلوده محدود

می‌شود، سخت در اشتباهید. آلاینده‌های

شیمیایی و فلزات سنگین در حال حاضر

به‌طور گسترده‌ای در منابع آب آشامیدنی،

محصولات کشاورزی و حتی مواد غذایی

فرآوری شده در کشور حضور دارند.

مانند استفاده از انرژی‌های پاک، محدودیت برای صنایع آلاینده و نظارت‌های سخت‌گیرانه بر تولید گازهای سمی به کار گرفته شده است. اما در ایران، نه تنها بسیاری از این سیاست‌ها اجرا نشده، بلکه روند معکوسی نیز در جریان است؛ کارخانه‌های آلاینده بدون نظارت کافی به فعالیت خود ادامه می‌دهند، نیروگاه‌ها همچنان از مازوت به‌عنوان سوخت استفاده می‌کنند و خودروهای فرسوده‌ای که در کشورهای دیگر به موزه‌ها سپرده شده‌اند، همچنان در خیابان‌های ایران دود می‌کنند.

سمومی که در غذا و آب حل می‌شوند

اما اگر تصور می‌کنید که بحران آلودگی محیط‌زیستی فقط به هوای آلوده محدود می‌شود، سخت در اشتباهید. آلاینده‌های شیمیایی و فلزات سنگین در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای در منابع آب آشامیدنی، محصولات کشاورزی و حتی مواد غذایی فرآوری شده در کشور حضور دارند. کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات که در بسیاری از کشورها ممنوع شده‌اند، همچنان در مزارع ایران بدون هیچ نظارت موثری مورد استفاده قرار می‌گیرند. آزمایش‌های مختلف نشان داده‌اند که محصولات کشاورزی تولیدشده در برخی استان‌های ایران، حاوی مقادیر بالایی از نیترات، فلزات سنگین و بقایای سموم دفع آفات هستند. این مواد به‌راحتی وارد زنجیره غذایی می‌شوند و با مصرف روزانه مردم، در بدنشان انباشته می‌شوند.

وضعیت منابع آبی نیز بهتر نیست. بسیاری از رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی ایران به‌شدت آلوده شده‌اند؛ از رهاسازی پساب‌های صنعتی در زاینده‌رود گرفته تا ورود فلزات سنگین به منابع آبی خوزستان و مازندران. این وضعیت نه تنها کیفیت آب آشامیدنی را تهدید می‌کند، بلکه به‌مرور زمان باعث تغییرات ژنتیکی و افزایش بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های شیمیایی می‌شود.

ایران و آینده‌ای که در مه دود گم می‌شود

حال که به این نقطه رسیده‌ایم، باید از خود پرسیم: آیا راه بازگشتی وجود دارد؟ پاسخ این پرسش به میزان جدیت مسئولان در مقابله با این بحران بستگی دارد. اما حقیقت تلخ این است که سیاست‌های زیست‌محیطی در ایران همواره در حاشیه بوده‌اند. درحالی‌که بسیاری از کشورها به سمت کاهش تولید آلاینده‌های شیمیایی

فرازاسدی

آلاینده‌هایی که نفس می‌کشیم: زنگ خطر محیط‌زیست

ایران بلندتر از همیشه

ایران عزیزمان که همواره در صد سال اخیر با بحران‌های محیط‌زیستی بیگانه نبوده است، حالا با موجی از آلاینده‌های شیمیایی و صنعتی مواجه است که دیگر تنها در هوا و آب محدود نمی‌شوند؛ بلکه در غذا، خاک، و حتی بدن انسان‌ها نفوذ کرده‌اند. سخنان اخیر شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بیش از یک هشدار ساده است؛ این یک اعلام وضعیت اضطراری است. او به‌درستی اشاره می‌کند که چرخ تولید ترکیبات شیمیایی پرخطر همچنان با سرعت می‌چرخد، در حالی که توافق‌نامه‌های بین‌المللی بسیاری از این مواد را ممنوع کرده‌اند. اما سؤال اصلی اینجاست: چرا با وجود این ممنوعیت‌ها، ایران همچنان درگیر افزایش آلاینده‌های خطرناک است؟

واقعیت تلخ این است که نه تنها روند کاهش آلودگی‌های شیمیایی در کشور کند بوده، بلکه سیاست‌های توسعه‌ای، صنعتی، و شهری نیز بر وخامت اوضاع افزوده‌اند. زباله‌های صنعتی، پساب‌های شیمیایی، گازهای سمی و آلاینده‌های پلاستیکی نه تنها آب و هوای شهرها را مسموم می‌کنند، بلکه در بافت زندگی روزمره ما نیز نفوذ کرده‌اند. شاید آنچه امروز از دود کارخانه‌ها، آلاینده‌های سوختی و سموم کشاورزی در محیط می‌بینیم، تنها نوک کوه یخ باشد. بحران واقعی زمانی رخ می‌دهد که این مواد در زنجیره غذایی، در سلول‌های بدن انسان و در هوای تنفسی کودکان رسوخ کنند، بی‌آنکه کسی صدای فریاد این فاجعه خاموش را بشنود.

اکنون که هشدارها آشکارتر از همیشه‌اند، پرسش اینجاست: آیا ما هنوز هم فرصت داریم که این روند را متوقف کنیم، یا اینکه دیگر از نقطه بی‌بازگشت عبور کرده‌ایم؟ آلودگی هوا همواره یکی از مهم‌ترین بحران‌های محیط‌زیستی ایران بوده، اما امروزه مسئله فراتر از ذرات معلق و دی‌اکسید کربن رفته است. گازهای سمی ناشی از سوزاندن سوخت‌های فسیلی، آلودگی‌های شیمیایی ناشی از صنایع پتروشیمی و آلاینده‌های نامرئی مانند ترکیبات آلی فرار (VOCs) به بخش جدایی‌ناپذیری از هوایی تبدیل شده‌اند که روزانه میلیون‌ها ایرانی استنشاق می‌کنند.

از تهران تا اراک، از اهواز تا مشهد، وضعیت آلودگی هوا به سطحی رسیده که حتی در روزهای عادی سال، دستگاه‌های سنجش کیفیت هوا هشدار قرمز می‌دهند. مدارس تعطیل می‌شوند، اورژانس‌ها پر از بیماران تنفسی می‌شوند و ماسک‌ها، که روزگاری نماد دوران کرونا بودند، حالا به بخشی از زندگی روزمره مردم شهرهای صنعتی بدل شده‌اند. اما این فقط یک لایه از فاجعه است. مشکل اصلی آن است که بسیاری از آلاینده‌های شیمیایی موجود در هوا نه تنها از فیلتر ماسک‌ها عبور می‌کنند، بلکه به‌راحتی وارد جریان خون و حتی مغز انسان می‌شوند. مطالعات علمی ثابت کرده‌اند که قرارگیری طولانی‌مدت در معرض آلاینده‌های شیمیایی موجود در هوا، ارتباط مستقیمی با افزایش بیماری‌های عصبی، سرطان‌ها و نارسایی‌های قلبی دارد.

جالب آنکه در بسیاری از کشورهای جهان، راه‌حل‌هایی



ژولیت بینوش رئیس هیات داوران جشنواره کن ۲۰۲۵ شد

ستاره فرانسوی برنده اسکار، ریاست هیات داوران بخش مسابقه جشنواره کن را بر عهده خواهد داشت و ۴۰ سال پس از اولین حضورش در این جشنواره، دآوری فیلم‌های نامزد نخل طلا را انجام خواهد داد. ژولیت بینوش، بازیگر سرشناس فرانسوی، به عنوان رئیس هیئت داوران بین‌المللی جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ منصوب شد. او جایگزین گرتا گروبیگ، کارگردان فیلم «باربی»، در این سمت می‌شود و ریاست گروهی از حرفه‌ای‌های صنعت سینما را بر عهده خواهد داشت که برنده نخل طلای امسال را انتخاب می‌کنند. بینوش اولین بار دقیقاً ۴۰ سال پیش و با فیلم «قرار ملاقات» (Rendez-vous) به کارگردانی آندره تشینه در سال ۱۹۸۵ در جشنواره کن حضور پیدا کرد. این اولین نقش مهم سینمایی او بود و باعث شد به شهرت برسد. او بعدها گفت: «در جشنواره کن متولد شدم».

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۱۷۴۸

دنیایکسوادار

فرهنگ

دست‌به‌نقد

نگاهی به فیلم «مرد شمالی» از منظر اسطوره‌شناسی؛

انتقام، از پسِ خیانت

علی‌عالمی

«باشد که این گناه خواب را از چشمانت بگیرد. باشد که در دم مرگت منتظر انتقامی آتشین باشی. حمله کن! (سفیدی گلویش را بالا می‌آورد) والهالا مرا در آغوش می‌گیرد...»

برای قومی که خدایشان خدای جنگجویان است و بهشتشان میعادگاه مبارزان و حوریانشان مشایعت‌کنندگان مردان مرده تا بهشت، اصلاً عجیب نیست که شاخص‌ترین موتیف تاریخی‌شان «انتقام» باشد! آن هم چه انتقامی؛ انتقام نه برای عدالت و نه برای رهایی جامعه از ظلم، بلکه انتقام برای انتقام و کشتن برای کشتن. در فیلمی که برای این قوم ساخته می‌شود، هیچ بعید نیست که کلیدی‌ترین دیالوگ این باشد: «انتقامت رو می‌گیرم پدر، نجاتت می‌دم مادر، می‌کشمت فیونر!» «مرد شمالی» سومین ساختهٔ رابرت آگزر کارگردان جوان آمریکایی است که قبل از این با دو فیلم «جادوگر» و «فانوس دریایی» نشان داده بود نگاهی خاص و مؤلفی دارد. تصاویر بدیع، تریس زیرپوستی، توجه و علاقه به فولکلور و حرکت کردن داستان در مرز واقعیت و فانتزی قدر مشترک فیلم‌های او تا به امروز بوده است.

حالا او در سومین فیلم بلند خود روایتگر داستان وایکینگ‌ها و اساطیر نورث شده است. داستانی همانقدر دور از نظر جغرافیایی (شمال اروپا) است که نزدیک است در انتزاع هر بیننده‌ای. شاید سخن داستانیوفسکی کمی تفریط‌گرایانه باشد؛ او گفته بود: «همهٔ قصه‌های بزرگ، دو داستان بیشتر ندارند. مردی به سفر می‌رود؛ غریبه‌ای به شهر می‌آید. اما قطعاً تعداد الگوهایی که تمامی داستان‌ها بر آن‌ها بنا می‌شوند بیشتر از انگشتان دو دست نیست.

داستان فیلم مرد شمالی پیش از آنکه دربارهٔ «انتقام» باشد دربارهٔ «خیانت» است چون تا خیانتی در کار نباشد، انتقامی هم در کار نیست! از این رو داستان برای هر بیننده‌ای آشناست. چه خیانت شغاد باشد به رستم، چه خیانت یهودا به مسیح و چه فیلم‌هایی که بر پرده سینما دیده‌ایم؛ نظیر «گلاڈیاتور»، «شجاع دل» و... اما بی‌شک «مرد شمالی» رابرت آگزر بیش از هر چیز به تراژدی «مکبث» ویلیام شکسپیر شبیه است؛ همان طمع

به ردای پادشاهی، همان زنی افسونگر و همان انتقام خونین! «املت» شاهزادهٔ وایکینگ در دست روزی که در مراسمی وهمناک به ولیعهدی پدر در آمده بود، شاهد قتل پدر و دزدیدن تاج و تخت او و تصاحب مادرش توسط عموی خود «فیونر» می‌شود. او به سختی از ضیافت مرگ فرار کرده و در دل گروهی وحشی و جنگجو بزرگ می‌شود که کارشان غارت و کشتار بقیه است؛ اما در میانهٔ یکی از کشتارها با دیدن علائمی به یاد انتقام خود می‌افتد، به یاد سرنوشتش، سرنوشتی که به قول تعمیددهنده در مراسم وهمناک ولیعهدی «گردانندگان سرنوشت بر سر چاه، سرنوشت برای مردان نوشته اند؛ و او تصمیم می‌گیرد در لباس میڈل یک برده به قاتل پدرش نزدیک شود و... فیلم‌نامه‌ای که آگزر به کمک «سیون»، رمان‌نویس ایرلندی، نوشته، فیلم‌نامه‌ای پر جزئیات و در نیمهٔ اول فیلم کدگذاری شده است. این کدها درست در اوج گره‌گشایی فیلم‌نامه است که معنای خود را باز می‌یابند. به عنوان نمونه اولین صحنهٔ حضور فیونر، جایی که ملکه آرواندیل (با بازی نیکول کیدمن) جام خود را به برادر شوهرش تعارف می‌کند و همزمان با طعنهٔ یکی از حضار مواجه می‌شود که: «شاهد باشید که جام ملکه جز برای پادشاه هم خیس می‌شود!»

یا در مراسم ولیعهدی که آرواندیل به پسرش نصیحت می‌کند: «دنبال اسرار زنان نباش، اما همیشه حواست بهشون باشه!» تمامی این موارد کدگذاری‌هایی هستند که در نیمهٔ اول فیلم‌نامه گذاشته شده‌اند و تا پایان کارکرد خود را حفظ می‌کنند. اما با پیش‌رفتن روند فیلم، این فیلم‌نامهٔ منسجم ابتدایی ضعیف و ضعیف‌تر شده و حوادث کم‌منطق‌تر می‌شوند؛ تا جایی که مخاطب دچار شک می‌شود و از خود می‌پرسد چرا باید یک زندانبان شمشیر را با زندانی تنها بگذارد؟ معشوقهٔ (اولگا) املت چه پیشینه‌ای دارد که تا این حد مرموز است؟ یا چه فعل و انفعالاتی سبب می‌شود که حس انتقام در املت جای خود را به زندگی آرام با اولگا می‌دهد؟

اما مشکل اصلی من با فیلم در این مورد است که کارگردان بجای نگاهی ایده‌آلیستی به داستان، تن به رئالیستی بودن و تنها گزارشگر یک واقعه‌شدن داده است، و این موضوع سبب شده تا فیلم به‌هیچ‌وجه از یک فیلم معمول دربارهٔ انتقام فراتر نرود. قهرمان فیلم به اقتضای تاریخ و خوی وایکینگ‌ها علناً یک جنایتکار است که در راه انتقام هیچ ابایی از کشتن

کودک بی‌گناهی که برادرش باشد ندارد. املت مطیع سرنوشت خویش است، سرنوشتی که در همه‌جای فیلم به او گوشزد می‌شود، چیزی که از خارج برای او نوشته شده و انگار او عروسک خیمه‌شب‌بازی نویسنده‌های سرنوشت است؛ عروسکی بی‌اختیار تا آنجا که حتی سلاحش به اختیار خود از غلاف در نمی‌آید برای انتقام گرفتن در جایی که مایل است انتقام بگیرد! امروزه برای ما بدیهی است که چنین نگاهی به سرنوشت و این میزان از اعتقاد به جبرگرایی، تنها به‌علت ضعف انسان قدیم در توجیه ناگواری‌هایی که برایش حادث می‌شد بوده است. همان انسان ساکن اسکاندیناوی که برای توجیه رعدوبرق افسانهٔ «ثور» را خلق می‌کند، انسانی که برای برداشتن بار تصمیمات از دوش خود تأثیر سرنوشت را به این اندازه آگرچه می‌کند. کارگردان حتی یکبار هم املت را در برابر سرنوشت قرار نمی‌دهد تا درامی فراتر از مصائب یک انتقام ساده خلق کند. او قصد دارد تا با یک نگاه ژورنالیستی به تمام اقتضائات تاریخ بیایند بماند؛ بی‌خبر از آنکه تاریخ به ما هو تاریخ تنها به درد یک تاریخ‌شناس در کالج می‌خورد و نه یک بینندهٔ سینما!

یک فیلم سینمایی (حتی در ژانر تاریخی) اگر در زیرنمایش به نقاط چالش‌انگیز ذهن مخاطب زمان خود نپردازد، تنها یک فیلم متوسط یا خوب مقطعی می‌شود که به سرعت هم از یاد خواهد رفت. فیلمی در سینما جوادان می‌ماند که بتواند ذهن نسل‌های بیشتری را درگیر محتوای خویش کند؛ برای مثال تا زمانی که ذهن بشر درگیر جنگ خیر و شر باشد (که احتمالاً تا پایان هستی این درگیری ادامه خواهد داشت) فیلم «شوالیهٔ تاریکی» نولان حرف برای گفتن دارد و فراموش نخواهد شد. اما مرد شمالی «رابرت آگزر» هرگز از یک فیلم تاریخی اکشن دربارهٔ انتقام فراتر نخواهد رفت. اگر ذره‌ای به عمق مسائل مطرح شده در فیلمش نزدیک نمی‌شود و با وجود مواد خام کافی، در زمین ذهن مخاطب پرسش‌های امروزی نظیر موارد زیر نمی‌کارد:

خشونت خوب است یا بد؟ تا کجا می‌شود به خشونت مجال بروز و ظهور داد؟ انتقام نشان شرافت است یا بازی احمق‌ها؟ برای انتقام از یک نفر تا کجا می‌توان پیش رفت؟ و...

مجموعهٔ این موارد است که سبب می‌شود فیلم مرد شمالی از یک فیلم متوسط یا حتی خوب در سال ۲۰۲۲ پیش‌تر نرود و نهایتاً هم در ۲۰۲۳ فراموش شود.

فیلم‌نامهٔ اثر نه تنها در محتوای داستان که در پردازش شخصیت‌ها

«چشم بادومی» دست روی چه چیزی گذاشته است؟ رسوخ کی‌پاپ به سینمای ایران!

با این‌حال در تاریخ سینمای کشور، فیلم‌هایی چون «دلشدگان»، «پیر پرواز»، «طهران تهران»، «هفت ترانه»، «کسی از گریه‌های ایرانی خبر ندارد»، «سنجوری»، «بی‌خداحافظی»، «خشم و هیاهو»، «ترگس مست»، «راه رفتن روی سیم»، «مطرب»، «بندر بند» و «لامینور» سراسرترین ارجاعات را به دنیای موسیقی و فعالان آن داشتند که هر یک از آن‌ها، سرنوشت‌های متفاوتی به لحاظ آکران و ماندگاری در حافظه تاریخی مردم داشتند.

اما پرداختن به موسیقی داخلی که عموماً با محدودیت‌هایی مواجه است، برخی فیلمسازان را بر این داشته تا به سراغ نمونه‌های خارجی این حوزه بروند. مهم‌ترین آثار تولیدشده در این زمینه، مستند بلند «کی‌پاپ» است که روایتی از پدیده کی‌پاپ در ایران و هواداران این پدیده است. مستند پروپیمانی که در همان زمان رونمایی، با استقبال خوبی از سوی هواداران این نوع موسیقی مواجه شد و هنوز هم یکی از مرجع‌های معتبر سینمایی درباره موسیقی معاصر است. رواج موسیقی کره و اشاعه افسارگسیخته این فرهنگ در میان

نوجوانان ایرانی، قطعاً یک دغدغه مهم برای فیلمسازانی است که می‌خواهند در حوزه نوجوانان فیلم بسازند. «بانک‌زده‌ها» یک اثر کم‌دی است که به شکلی گذرا به این میزان علاقمندی پرداخت اما حالا «چشم بادومی» را باید نخستین فیلم سینمایی موجه در رابطه با پرداختن به موسیقی کی‌پاپ معرفی کنیم. فیلمی که قرار است مسئله‌مندی حول محور کی‌پاپ یک نوجوان را در زندگی او ببینیم. موضوعی که منجر به اتفاق‌هایی در زندگی و تفکرات او و خانواده‌اش می‌شود.

اینکه آثار سینمایی ایرانی به چنین موضوعات روزی ورود می‌کنند، یک اتفاق درخورتحسین به حساب می‌آید. گستره وسیعی که کی‌پاپ بر روی زندگی و تفکر نوجوان‌ها و جوان‌ها دارد، نمی‌تواند موردافغال یا نادیده‌انگاشتن قرار بگیرد. برای طرفداران این حوزه، نمونه‌های مهم جهانی وجود دارد از جمله آثاری چون «تقلید»، «دروغگو و معشوقش»، «گروه گل»، «آیدل شاهکار»، «مدیریت عالی»، «بگذار شوالیه تو باشم»، «آیدل بهشتی»، «رویای بلند» و



هم به عمق وجودی‌شان نرفته و بنظر می‌رسد عمده زمان فیلم‌نامه به شرح حوادث گذشته است. دو شخصیت زن فیلم یعنی مادر و معشوقهٔ املت (اولگا) با اینکه در داستان حضور و اثرگذاری زیادی دارند، اما شخصیت‌پردازی کاملی ندارند. مادر املت مواد لازم جهت بدل‌شدن به «لیدی مکبث» را ندارد و یک دیالوگ چندخطی خبانتش را توجیه نمی‌کند؛ توانایی‌های اولگا بخاطر نداشتن پیشینه‌ای از او در فیلم باورپذیر نیست و همچنین رابطه‌اش با املت سطحی از آب درآمده و یا در داستان انگیزه‌ای قوی برای کشتن آرواندیل توسط فیونر وجود ندارد. با این وجود، نمی‌توان منکر شد که رابرت آگزر در مقام کارگردان باز هم اجرای قابل تحسینی منطبق بر دنیای شخصی خود به نمایش گذاشته است. تصاویر بدیع و موسیقی فولکلور کاملاً در خدمت فضای فیلم هستند و آن رگ ترس فیلم‌های قبلی آگزر، مخصوصاً جنس ترسی که در فانوس دریایی مشهود بود، در این فیلم هم احساس می‌شود و اوج آن در دو سکانس مراسم ولیعهدی و سکانس پایانی فیلم یعنی نبرد در میانهٔ آتشفشان‌ها بود، که اجرای فوق‌العاده‌ای داشتند.

در پایان، مرد شمالی با وجود چه اندازه خوب یا بد بودن، فیلم مهمی است که به‌سبب کارگردانی، موضوع اکشن و کسب بازیگری پراوازه‌اش می‌تواند بیننده را برای یکبار دیدن مجذوب خود کند؛ اما مشکلات فیلم‌نامه در نیمهٔ دوم فیلم و هم‌چنین نگاه تقلیل‌گرایانه کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس به اثر سبب شده که «مرد شمالی» نتواند به یک فیلم اثرگذار و فراموش‌ناشدنی بدل شود.

زهربین

«من با یک آنتی‌فن ازدواج کردم» اما بسیار مهم است که سینمای پویای ایران، دغدغه‌مندی این قشر را درک کرده و ورودی داستانی با زیرلایه آسیب‌شناسانه به این حوزه داشته باشد. باید به یاد داشته باشیم که فیلم و سریال‌های غیرایرانی که به کی‌پاپ می‌پردازند، در همان راستای فرهنگ این حوزه تعریف می‌شوند بدون آن‌که مسائل و دغدغه‌های مطرح‌شده در آن با فرهنگ و زیست ایرانی محک بخورند به همین دلیل ورود درست و حرفه‌ای به این سوژه می‌تواند بایکوت و خفقتانی که به هر دلیلی در این حوزه وجود داشته را از بین برده و مخاطبان هدف انبوه خود را شناسایی کند.

خلاصه داستان «چشم بادومی» درباره دختر نوجوانی است که رویای ملاقات با خواننده موردعلاقه خود در فرهنگ کی‌پاپ را در سر می‌پروراند. فیلمی با بازی مهدی هاشمی و ساره بیات که قطعاً مخاطبان و دوستداران کی‌پاپ و البته خانواده‌های آن‌ها نمی‌توانند به‌سادگی از کنار آن بگذرند.

مجتبی اردشیری

«چشم بادومی» نخستین ورود صریح سینمای بلند داستانی ایران به موضوع کی‌پاپ و محک زدن دغدغه‌مندی آن در اکوسیستم ایرانی است. رویکردی که قطعاً نمی‌تواند از چشم هواداران بسیار این فرهنگ موسیقی و البته خانواده‌های آن‌ها نادیده بماند.

صنعت موسیقی با وجود تمام زرق‌وبرق‌هایی که دارد، سوژه چندان محبوبی برای سینمای ایران نبوده است. تعداد تولیدات اندکی به این سوژه ورود کردند و همان آثار نیز عموماً با اقبال چندانی از جانب مخاطب مواجه نشدند و برخی از آن‌ها حتی در حافظه تاریخی سینمای ایران نیز ماندگار نشدند.

یکی از علل مهم عدم‌ورود فیلمسازان به این حوزه، محدودیت‌هایی است که در تمام دوران، در مسیر صنعت موسیقی وجود داشته است. ضمن اینکه این حوزه، تخصص‌هایی را می‌طلبد که دست فیلمسازان ناآشنا به این حوزه را از پرداختن به آن کوتاه می‌کند.

اختلال درگاه‌های پرداخت زیرسامانه‌های خرید و مناقصه رفع شد

سرپرست مرکز توسعه تجارت الکترونیکی گفت: با توجه به فراهم شدن تمهیدات لازم، رفع اختلال درگاه‌های پرداخت زیرسامانه‌های خرید و مناقصه انجام شده و از این پس، کلیه وجوه درآمد حاصل از خدمات سامانه به حساب خزانه دولت واریز خواهد شد.

حمید توفیقی - سرپرست مرکز توسعه تجارت الکترونیکی - از رفع اختلال موجود در درگاه‌های پرداخت سامانه خبر داد و گفت: رفع اختلال درگاه‌های پرداخت زیرسامانه‌های خرید و مناقصه انجام شده و از این پس، کلیه وجوه درآمد حاصل از خدمات سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، به حساب خزانه دولت واریز خواهد شد. مبنای محاسبه تعرفه کارمزدهای خدمات سامانه بر اساس جداول مربوطه در قانون بودجه سنواتی است.

وی گفت: کاربران سامانه دقت کنند که با توجه به فعال سازی درگاه‌های پرداخت، از واریز کارمزدها بصورت فیش واریزی جداً خودداری کنند. بدیهی است ابلغیه‌های به شماره ۹۵۴۷۹۷ تاریخ ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ و شماره ۱۷۴۴۵۵۲ تاریخ سوم دی ماه ۱۴۰۲ مرکز توسعه تجارت الکترونیکی کان لم یکن اعلام می‌شود.

توفیقی افزود: از این پس، مطابق قوانین و مقررات مربوطه ضروری است کلیه مراحل فرآیند معاملات بعد از اعلام به برنده، اعم از واریز وجوه کارمزد، انعقاد قرارداد، تولید شناسه معاملاتی ستاد (شمس) و اجرای قرارداد دستگاه‌های اجرایی صرفاً به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (<https://setadiran.ir>) صورت پذیرد.

وی در پایان افزود: کاربران سامانه بعد از ثبت قراردادها در سامانه ستاد، جهت فراخوانی اطلاعات قراردادها معتقد در سامانه ستاد در پایگاه اطلاعات قراردادهای کشور، لازم است که مطابق روال قبلی نسبت به فراخوانی و تکمیل اطلاعات قراردادها در این پایگاه اقدام کنند.



ظرفیت صنعت پتروشیمی به ۹۶ میلیون تن در سال رسید

«حسن عباس‌زاده» مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی - گفت: ظرفیت صنعت پتروشیمی از ظرفیت پایین حدود سه میلیون تنی در سال، هم‌اکنون به ظرفیت سالیانه نزدیک به ۹۶ میلیون تن با گروه‌های مختلف محصولات پتروشیمی رسیده است. صنعت پتروشیمی تبلور زنجیره ارزش صنعت نفت است. صنعت پتروشیمی تبلور و حلقه ارزش آفرین در زنجیره ارزش صنعت نفت با جلوگیری از خام‌فروشی است و رشد جهشی در این سال‌ها داشته است. با وجودی که در بخش تولید نفت نیز اقدام‌های بسیاری انجام شده اما این رشد قابل مقایسه نیست. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه در سال‌های گذشته به‌اندازه کافی به توسعه زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی توجه نشده است، ادامه داد: گام بعدی این صنعت حرکت به سمت تکمیل زنجیره ارزش از محصولات نیمه‌خام و تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر است.



چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ شماره‌گان ۱۷۴۸

دنیایکسوادار

اقتصاد

گزارش

یک گره کور دیگر در تعیین مزد و وعده‌هایی که نان نمی‌شود؛

کارگران در منگنه معیشتی!

ایمان روزبهنی

بدون اینکه بحثی جدی روی دستمزد شکل بگیرد. در این میان، کارفرمایان مدام از مشکلات مالی و بحران تولید سخن می‌گویند و دولت نیز به‌جای ایفای نقش حمایتی، عملاً به نفع آن‌ها وارد میدان می‌شود.

درحالی‌که افزایش حقوق، حقی انکارناپذیر برای کارگران است، برخی مسئولان سعی دارند با وعده‌های توخالی نظیر «طرح‌های حمایتی» و «تسهیل مسکن کارگری»، اصل ماجرا را به حاشیه ببرند. اما حقیقت این است که شکم گرسنه با وعده سیر نمی‌شود. کارگری که نان شب ندارد، اولویت اولش سقف بالای سر نیست، بلکه غذایی است که بتواند کودکش را با آن زنده نگه دارد.

کارفرمایان: شانه خالی کردن از مسئولیت با بهانه‌های همیشگی! در این میان، کارفرمایان هم که همیشه در مذاکرات مزدی با چهره‌ی یک قربانی حاضر می‌شوند، امسال هم همان استدلال‌های تکراری را روی میز گذاشته‌اند:

- افزایش حقوق باعث رکود اقتصادی می‌شود!

- کارفرماها توان پرداخت حقوق بالاتر را ندارند!

- اگر حقوق بالا برود، موج اخراج کارگران به راه خواهد افتاد!

اما آیا این استدلال‌ها منطقی است؟ بررسی‌های کارشناسان اقتصادی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، علی‌رغم ثابت ماندن قدرت خرید کارگران، هزینه‌های تولید برای کارفرمایان به شدت افزایش یافته است؛ اما نه به دلیل مزد، بلکه به خاطر هزینه‌های سرسام‌آور مواد اولیه، تورم، رکود و ضعف مدیریت اقتصادی. پس آیا فشار بر کارگران می‌تواند نسخه‌ی شفابخش اقتصاد باشد؟ قطعاً خیر!

هر سال وقتی بحث افزایش حقوق پیش می‌آید، بعضی از مسئولان در قامت همدرد ظاهر می‌شوند و جملاتی از این جنس تحویل کارگران می‌دهند:

«ما هم شرایط سخت اقتصادی را درک می‌کنیم!»

«ما هم دغدغه‌ی شما را داریم!»

«ما نیز مثل دولت در کنار شما هستیم!»

اما این جملات چقدر با واقعیت تطابق دارد؟ آیا وزیر و وکیل و



مسئول و کارخانه‌داری که حقوق چند صد میلیونی می‌گیرد و در جلسات کمیته‌ی مزد بر سر «اعداد و ارقام» چانه می‌زند، می‌تواند حس کند که یک کارگر برای پرداخت اجاره‌ی خانه چه زحری می‌کشد؟ آیا نماینده‌ای که با ماشین دولتی رفت‌وآمد می‌کند، می‌تواند بفهمد یک کارگر برای پول کرایه‌ی اتوبوس چقدر باید حساب‌و‌کتاب کند؟ پاسخ روشن است: نه!

دستمزد واقعی، یا زنده ماندن با حداقل‌ها!!

افزایش دستمزد کارگران نه یک لطف، بلکه یک ضرورت است. این افزایش نباید بر پایه‌ی عددسازی و چانه‌زنی‌های پشت درهای بسته انجام شود، بلکه باید مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی و سطح تورم باشد. این حق اولیه‌ی کارگر است که دستمزدش کفاف یک زندگی حداقلی را بدهد، نه اینکه صرفاً زنده بماند! اگر دولت و کارفرمایان همچنان بخواهند در برابر این مطالبه‌ی بدیهی مقاومت کنند، نتیجه چیزی جز افزایش فقر، گسترش نارضایتی اجتماعی و رکود عمیق‌تر اقتصادی نخواهد بود.

۲۹ بهمن ماه، موعد تعیین هزینه‌ی سبد معیشت کارگران است. باید دید آیا این جلسه هم به سرنوشت جلسات قبلی دچار می‌شود یا بالاخره گوشه‌ای از فشار طاقت‌فرسای اقتصادی از دوش کارگران برداشته خواهد شد. اما تا آن روز، آن‌ها همچنان با همان سوال همیشگی روز را شب خواهند کرد: «ما با این حقوق، چطور زنده بمانیم؟»

آگهی مزایده پرونده کلاسه ۱۴۰۳۰۰۱۲۵

به موجب پرونده اجرائی کلاسه مذکور شش‌دانگ یک‌دستگاه اتومبیل سواری مدل ۱۳۹۹ سیستم سایپا تیپ ساینر رنگ سفید روغنی تعداد سیلندر ۴ به شماره انتظامی ۷۹۵ س ۲۸ سری پلاک ایران ۱۰ دارای شاسی به شماره ۵۸۹۷۳۳۸ANAS۳۱۱۰۰L و موتور شماره ۱۵۹۰۴۳۸۵۹M متعلق به علی اکبر عبدالملکی که طبق نظر کارشناس رسمی مورخ ۱۴۰۳/۹/۱۵ به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده طبق اعلام کارشناس اتاق مطابق است ولیکن بعضاً بدنه دارای خوردگی و خط و خش است از جمله درب موتور خوردگی گلگیر جلو چپ خوردگی خط و خش دارد درب صندوق سمت چپ خش دارد درب عقب راست آثار بازسازی دارد گلگیر عقب دور چرخ خوردگی دارد لاستیکها فرسوده باتری شارژ ندارد سپر جلو تصادف دارد سپر عقب ساییدگی دارد آبنگیر شیشه جلو شکسته است آینه‌ها خط و خش دارد و درب صندوق باز نشد و بازید مقدور نگردید و به دلیل فقدان امکانات در محل بازید از قسمتهای زیرین خودرو مقدور نگردید موتور دارد خاموش است به جهت فقدان شارژ باتری موتور روشن نشد و لذا وضعیت فنی موتور نامعلوم است کیلومتر کارکرد نامعلوم و وضعیت بیمه نامه اجباری شخص ثالث نامشخص است. مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ روز دوشنبه واقع در حصارک بالا میدان شهدا بلوار گلدشت پارکینگ طالقانی از طریق مزایده به فروش میرسد. مزایده از مبلغ مذکور شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی تقدماً فروخته میشود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده تقدماً وصول خواهد شد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتیکه ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد. ۱۸۷۸۱۱۰

معاون اجرای ثبت کرج - قاسمی

آگهی تبصره ۳ ماده ۱۲۰ قانون ثبت

خانم زینب جهان شریف به نشانی کرج میان جاده (شاهین ویلا) میدان فاطمی (امام حسین سابق) نبش میدان خیابان ۳۶ گله‌ها ساختمان ارسان پلاک ۶ طبقه اول واحد دو/ اسناد مالکیت یک دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴۹/۴۵ مترمربع پلاک ۲۸۸۱ فرعی از ۱۴۶ اصلی مغرور از ۴۷۰ فرعی ذیل صفحه ۵۱ دفتر ۱۱۰۹ به شماره چاپی ۱۹۹۶۷۶ و دو دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مزبور ذیل صفحه ۵۵ دفتر ۱۱۰۹ به شماره چاپی ۷۸۰۴۸۱ به نام ملوک کامران ماسوله ثبت و صادر گردیده است. سپس محمد جهان شریف به استناد گواهی حصر وراثت شماره ۳۶۳ مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۲۲ صادره از شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی کرج احدی از ورثه مرحوم ملوک کامران ماسوله نسبت به سهم الارث خود تقاضای صدور سند نموده اند و اعلام نمودند که اصل اسناد مالکیت فوق نزد جنابعالی ورثه دیگر نامبرده می باشد با توجه به اینکه در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۲۰ مراتب به جنابعالی جهت ارائه اصل اسناد مالکیت اخطار گردیده و در موعد مقرر مراجعه ننموده اید و با توجه به اینکه اخطار ابلاغ واقعی نگردیده لذا در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۲۰ قانون ثبت یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌گردد. بدیهی است چنانچه پس از سپری شدن مهلت مقرر اصل اسناد مالکیت پلاک مذکور به این اداره ارسال نگردد این اداره وفق مقررات اقدام نسبت به صدور سند مالکیت به نام ورثه درخواست کننده وفق مقررات اقدام خواهد نمود. ۱۸۷۸۱۳۸

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج

جایگاه معلولان آزادی بدون گیت ورودی!

در حالی که همزمان با اجرای عملیات بازسازی ضلع غربی ورزشگاه آزادی ویژه‌ای نیز برای افراد معلول در دو سمت راست و چپ جایگاه تماشاگران استقلال و پرسپولیس تعبیه شده است اما معلولان برای ورود به استادیوم گیت ورودی ندارند.

همزمان با اجرای عملیات بازسازی ضلع غربی ورزشگاه آزادی، جایگاه ویژه ای در زون‌های ۳۴ و ۳۵ برای افراد معلول در دو سمت راست و چپ جایگاه تماشاگران استقلال و پرسپولیس تعبیه شده که ورود این افراد به ورزشگاه از طریق دو تونل و ۱۲ فراهم شده است.

پیش از این مهدی نصیبی مدیر مجموعه ورزشی آزادی درباره جایگاه ویژه افراد معلول تاکید کرده بود که احترام گذاشتن به قشر جانباز و معلول بر همه واجب است، به همین خاطر یکی از مواردی که در بهسازی ورزشگاه آزادی مد نظر قرار گرفت، جایگاه ویژه این افراد بود. این جایگاه پیش از این کنار جایگاه CIP وجود داشت ولی مورد استفاده سایرین قرار می‌گرفت، اما تصمیم بر آن شد این جایگاه برای افراد معلول با صندلی و بخش مربوط به افراد دارای ویلچر تعبیه شود تا بتوانند به راحتی از تماشای مسابقات لذت ببرند.

اما این جایگاه در شرایطی در ورزشگاه آزادی تعبیه شده که معلولان برای ورود به استادیوم جهت تماشای بازی‌ها نیاز به گیت ورودی دارند اما گیت اختصاصی برای معلولان در آزادی پیش‌بینی نشده است.

در این زمینه شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی بر این باور است که از سال‌های قبل نصب گیت‌ها با شرکت برهان مبین بوده و نصب گیت ورودی اختصاصی برای افراد معلول نیز مربوط به این شرکت است و ارتباطی به شرکت توسعه ندارد.

شرکت توسعه معتقد است که در بازسازی ورزشگاه آزادی یکی از الزامات AFC ساخت جایگاه مخصوص برای افراد معلول بود که در ضلع غربی این جایگاه تعبیه شد، اما مسئولیت گیت‌های ورودی با شرکت برهان مبین بوده و شرکت توسعه نقشی در این خصوص نداشته و ندارد.



استرالیا، میزبان جام ملت‌های ۲۰۲۶ فوتبال زنان آسیا شد

کنفدراسیون فوتبال آسیا از میزبانی استرالیا در جام ملت‌های فوتبال بانوان آسیا در سال ۲۰۲۶ خبر داد.

سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا در گزارشی به میزبانی استرالیا در جام ملت‌های فوتبال بانوان آسیا در ۲۰۲۶ پرداخته است. در این گزارش آمده است:

۳۳ تیمی که برای حضور در رقابت‌های انتخابی جام ملت‌ها آسیا اعلام آمادگی کرده‌اند عبارتند از: بحرین، بنگلادش، بوتان، کامبوج، چین تایپه، کره شمالی، گوام، هنگ‌کنگ، چین، هند، اندونزی، عراق، ایران، اردن، جمهوری قرقیزستان، لائوس، لبنان، مالزی، مالدیو، مغولستان، میانمار، نیپال، فلسطین، فیلیپین، عربستان سعودی، عربستان، سنگاپور، سریلانکا، تاجیکستان، تایلند، تیمور شرقی، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان و ویتنام.

مسابقات مقدماتی جام ملت‌های فوتبال بانوان ۲۰۲۶ آسیا استرالیا در قالب مرحله گروهی از ۲۳ ژوئن تا ۵ ژوئیه ۲۰۲۵ (۲ تا ۱۴ تیر ۱۴۰۴) برگزار می‌شود.

آسیب‌دیدگی کوجو جدی نیست

پزشکان استقلال اقدامات اولیه را برای آماده کردن بازیکن خارجی این تیم انجام دادند. تیم فوتبال استقلال شب گذشته در هفته هفتم لیگ نخبگان آسیا در ورزشگاه آزادی مقابل الشرطه عراق به تساوی رسید. جوئل کوجو، بازیکن غنایی استقلال در حالی موفق شد تک گل آبی پوشان را در این دیدار به ثمر برساند که از ناحیه دنده دچار آسیب دیدگی شده بود. پزشکان استقلال بلافاصله پس از پایان بازی اقدامات لازم را برای کوجو انجام دادند تا این بازیکن مشکلی برای همراهی این تیم در ادامه بازی‌ها نداشته باشد.

استقلال روز جمعه در رقابت‌های لیگ برتر در رفسنجان به مصاف مس خواهد رفت.



خارج از گود



زنان متخصص و دانشمند محتاج است. در این سیستم «باری به هر جهت» موجود نباید منتظر اتفاقات بزرگ و مثبت بود. مجموعه و جماعتی که دیدگاه‌های پیش پا افتاده‌ای دارند و هرگاه منفعتی از آنان دریغ می‌گردد، تمام موجودیت فوتبال اعم از مثبت و منفی را زیر سوال برده و بی وقفه می‌تازند. این جماعت که تعداد آنان هم کم نیست هر روز به طریقی اظهار نظر کرده و تحولات جدید را به نفع خود تفسیر می‌کنند. گروه‌های فشاری که بدنبال انحصارطلبی در فوتبال بوده و هر فرد و یا مجموعه‌ای را زیر سوال برده‌اند.

انگشت‌شماران موفق

در همین چند دهه اخیر چند مربی موفق نیز به فوتبال ایران معرفی شده و تیم‌های تحت هدایت خود را به قهرمانی و موفقیت رسانده‌اند. امیر قلعه‌نویی را باید سرقلعه مربیان نوگرایی ایران بدانیم که جام‌های رنگارنگی با چند باشگاه بزرگ بدست آورده و در حال حاضر سکان تیم ملی را در دست دارد. «قلعه‌نویی در اندیشه تحولات بنیادین در تیم ملی است». یحیی گل‌محمدی در دو دوره کاملاً متفاوت تبدیل به موثرترین مربی حال حاضر فوتبال ایران شده است. او در مرحله نخست در انتخابی اشتباه سرمربی پرسپولیس شد و آنگاه به این نکته پی برد که برای تبدیل شدن به مربی توانا نباید عجله کند. به همین دلیل گل‌محمدی در باشگاه‌های چون راه‌آهن تهران، ذوب‌آهن اصفهان و فولاد خوزستان با فوتبال حرفه‌ای آشنا شد و آنگاه در بازگشت به پرسپولیس تبدیل به مرد انکارنشده این تیم گردید. در این بین باید به فرهاد مجیدی نیز اشاره کرد؛ او چند سال دستیار مربیان خارجی استقلال بود و مقدمات مربیگری را نیز در خارج از کشور آموخت و حالا در کنار افشین قطبی، تنها مربیان لژیونر ایرانی هستند که می‌توان آینده روشنی برایشان تصور شد.

بحران مربیگری

به هر حال بحران مربیگری در فوتبال ایران موج می‌زند. یقیناً باید در این خصوص اقدام موثری انجام داد. در این راه گام نخست استعدادیابی است که البته باید از شهرستان‌ها آغاز شود. اقدام بعدی سرمایه‌گذاری صحیح است که باید در برنامه‌های کوتاه و بلند مدت فدراسیون قرار بگیرد. سومین اقدام حرکت به سوی شرایط حرفه‌ای فوتبال است. شرایطی که در آن نکات سخت افزاری و نرم افزاری پیش بینی شده و آیت‌های اقتصادی رعایت می‌گردد. جامعه فوتبال ایران امیدوار است رئیس آینده فوتبال کشور براساس این شرایط و سرفصل‌ها انتخاب گردد.

«دنیای هوادار» از تصمیمات احساسی و رفتارهای آماتور می‌گوید؛

بحران مربیگری

حسن صنعی پور

دانش‌آموختگان این دوره‌ها آموخته‌های خود را با سلاخی شخصی در هم آمیخته و قصد دارند یک شبه ره صد ساله را طی کنند. در نقطه مقابل نیز این موضوع وجود دارد که برخی از این دانش‌آموختگان، فضایی برای فعالیت پیدا نکرده و اکثر تیم‌های شهرستانی و روستایی توسط مربیان هدایت می‌شوند که آموزشی ندیده‌اند.

مربیان سنتی

هنوز هم رگه‌هایی از تفکرات سنتی مربیگری در فوتبال ایران از رده‌های پایین تا بالاترین رده‌های باشگاهی و ملی دیده می‌شود. مربیانی که گاهی با استخدام دستیاران خارجی قصد دارند نواقص دانش و توان خود را با حضور او جبران کنند. تفکرات سنتی که متأسفانه در پس زمینه اغلب مربیان گذشته و حتی جوان فوتبال ایران وجود داشته و راه پیشرفت آنان را مسدود کرده است. این سنت‌گرایی گاهی موجب طرد مربیان ایده‌پرداز نیز شده است. بزرگانی که عطای این عرصه را به لقایب بخشیده و فعالیت‌های خود را به حوزه دیگری معطوف کرده‌اند. قدر مسلم اینکه از این تفکرات سنتی، موفقیت‌پذیری متصور نخواهد بود و بخش بزرگی از رفت و آمدهای سریع و فراوان مربیان در طول یک فصل را می‌توان در همین نکته جستجو کرد. شیوه منسوخ‌ی که فقط در دهه‌های شصت و هفتاد منتج به نتیجه می‌شد.

انتخاب نادرست مربیان خارجی

هرساله چندین مربی خارجی با کیفیت و بی‌کیفیت به فوتبال ایران وارد شده و جز تعداد اندکی، از تیم‌های خود اخراج شده و بدلیل نظام آماتور محض در فوتبال ایران اغلب دستمزد و مبلغ قرارداد خود را تمام و کمال دریافت می‌کنند. چند مربی بزرگ هم که به صورت اتفاقی به فوتبال کشور آمده با بدترین وضعیت از آن خارج شده‌اند. در این بین باید به چند مربی نام آشنا اشاره کرد؛ ابتدا برانکو ایوانکوویچ که رنسانسی شگرف در پرسپولیس ایجاد کرد. تحولی که هنوز تبعات مثبت آن در این باشگاه ملاحظه می‌شود. دوم کارلوس کی‌روش که برای فوتبال ملی فلسفه و قانون تعریف کرد و اگر با او رفتاری بهتر انجام می‌شد، در سال‌های اخیر ثمره آن را بهتر مشاهده می‌کردیم. سوم آندره آ استراماچونی که تفکراتش در هر ج و مرج باشگاه استقلال به نابودی کشیده شد. چهارم وینفرد شفر که به فوتبال استقلال نظم بخشید اما مدیران این باشگاه، تیم انتهای فصل او را متلاشی کردند. و دست آخر ژوزه مورایس که قصد داشت ریتم آهنگ سپاهان را در یک بازه نچندان طولانی به طرف فوتبال حرفه‌ای هدایت کند، اما دچار حواشی مخربی گردیده و از فوتبال ایران جدا شد. در باقی موارد باید اعتراف کرد که باشگاه‌های ایرانی در انتخاب مربیان خارجی دچار اشتباهات مرگباری شده و آخرین حلقه آن را باید در دو سرمربی اخراج شده پرسپولیس و استقلال ملاحظه کرد.

سیستم اشتباه و گروه‌های فشار

آنگاه که سیستم اشتباه باشد، هر عملی و هر تلاشی محکوم به شکست است. وقتی فوتبال و آنچه به فوتبال مربوط است مورد شناسایی واقع نگردد، هر اقدامی مفید نخواهد بود. اگر بپذیریم که فوتبال یک صنعت است پس باید هر آنچه مربوط به فوتبال است را یک صنعت زیرمجموعه تلقی کنیم. پیشبرد اهداف هر صنعتی ابتدا به برنامه‌ریزی دوم به سرمایه‌گذاری و سوم به حضور مردان و

سر الکس فرگوسن در کتاب خاطرات خود نوشته است: «در اولین بازی به عنوان سرمربی منچستر یونایتد از خدا خواستم که پیروز شویم، اما در آن بازی شکست سختی خوردم. آنجا بود که فهمیدم تیم حریف هم خدایی دارد. از آن پس فقط تلاش کردم». جملاتی پرمعنا و قابل تأملی که باید مدنظر تمام مربیان دنیا بخصوص مدیران و مربیان فوتبال ایران قرار بگیرد. صرف عقد قرارداد با مربیان بزرگ دنیا تضمینی برای موفقیت یک تیم نیست. هر چند مربیان درجه یک دنیا به ندرت حاضر به فعالیت در فوتبال ایران هستند. در همین چند فصل اخیر تعداد زیادی از مربیان بزرگ و کوچک به استخدام باشگاه‌های ایرانی درآمده‌اند، اما عمدتاً دستاورد مناسبی را از خود بجای نگذاشته و در عوض هزینه‌های هنگفتی را به فوتبال ناتوان کشور بلحاظ اقتصاد و چالش‌های منسوب به آن تحمیل کرده‌اند. اگر مشاهده می‌شود باشگاهی چون پرسپولیس با مربیان مختلف بیشتر از سایر باشگاه‌های موفق است، دلیل عمده آن را می‌توان در تیم پشتیبانی این باشگاه جست‌وجو نمود. موضوعی که باید الگوی دیگر باشگاه‌های ایرانی قرار بگیرد. در ادامه نگاهی به شرایط مربیگری و مربیان شاغل در ایران خواهیم انداخت:

ضعف عمده

ضعف عمده فوتبال ایران در عرصه مربیگری، فقدان سرفصل‌ها و عدم برنامه‌ریزی در جریان مربیگری است. طیف بزرگی از مربیان بدون کنترل ویژه و داشتن حداقل‌های ممکن در باشگاه‌ها مشغول به فعالیت بوده و نه تنها خروجی مناسبی ندارند که گاهی اثرات سوء سلابی آنان بسیاری از بازیکنان را به بیراهه کشانده است. این درحالی است که مربی بودن و درکل، عرصه هدایت و آموزش و البته پرورش استعدادها، خط نامرئی ظریفی دارد که اگر هر فردی بدان اشراف کامل نداشته باشد، قادر به پیشرفت در آن نخواهد بود و مرحله به مرحله به بن بست نزدیک می‌شود. عدم شناخت کافی مربیان از حوزه‌ای که بدان ورود کرده‌اند، جذابیت‌های کاذب موجود در این عرصه و فقدان نهادهای نظارتی منجر به حضور افرادی به عنوان مربی شده است که با دانش اندک خود قصد دارند دست به کارهای بزرگ زده اما اغلب مجموعه تحت هدایت خود را با فاجعه و بحران روبه‌رو کرده‌اند.

دوره‌های تشریفاتی

سالپایانه دوره‌های گوناگونی تحت عنوان «دوره مربیگری» در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف درحال برگزاری است و در انتهای هر دوره گواهی شرکت اعطا شده و اغلب نیز با هر توان و شرایطی موفق به کسب مدرک آن دوره می‌شوند. کلاس‌هایی که با هزینه شرکت‌کنندگان و البته با تدریس مدرسان فدراسیون برگزار شده و در یک دوره فشرده تئوری و عملی نکات مربوط به مربیگری به صورت کلی و گاهی تیتروار آموزش داده می‌شود. دوره‌های تشریفاتی که چند ایراد عمده درخصوص آنان می‌توان تصور بود؛ ابتدا اینکه هیچ سرمایه‌گذاری دقیق و موثری در این زمینه صورت نگرفته است و تعریفی بلحاظ بودجه آموزشی در این خصوص بیان نگردیده است. دوم اینکه وضعیت برگزاری دوره‌های مذکور اکثراً نامطلوب بوده و بسته به اقبال مسئولان شهر با کیفیت‌های گوناگونی همراه است. نکته سوم را باید به خروجی این دوره‌ها اختصاص داد؛ اغلب



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهرداد تیموری

مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶

تلفن - شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: صمیم



«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

دیالوگ

«آرام پیوند» از مسیر سخت قهرمانی می گوید؛

از مدال طلای البرز تا رؤیای جهانی

فرهاد غلامعلی



یک مربی کاربلد می تواند تأثیر بسیار زیادی در مسیر پیشرفت داشته باشد. آرام پیوند، نمونه ای از استعداد های جوان و در حال رشد در تکواندو ایران است که با اراده، تمرین های منظم و بهره گیری از آموزش های صحیح، توانسته به موفقیت های چشمگیری دست یابد. حضور مربیانی همچون مهرناز عباسزاده و برنامه های مدون هیئت تکواندو استان البرز، شرایط مطلوبی را برای پرورش ورزشکاران جوان فراهم کرده است. بدون شک، با ادامه این روند و حمایت های مناسب، آینده ای روشن در انتظار این قهرمان نوجوان خواهد بود.

استانی و کشوری با حریفانی که همه برای پیروزی آماده هستند، کار را سخت تر می کند. اما در نهایت، حمایت خانواده، مربی و عشق به این ورزش باعث شده که این چالش ها را پشت سر بگذارم.

خانواده چه نقشی در موفقیت های شما داشته اند؟
حمایت خانواده واقعاً یکی از مهم ترین عوامل در موفقیت من بوده است. پدر و مادرم همیشه در کنارم بوده اند و از روز اول مشوق من بوده اند. همچنین برادرم که خودش کمر بند قرمز تکواندو دارد، الگوی من در این رشته بوده و در بسیاری از تمرینات به من کمک کرده است. بدون حمایت آن ها، شاید نمی توانستم این مسیر را با انگیزه ادامه بدهم.

چه اهدافی برای آینده تان در نظر دارید؟ آیا برنامه ای برای حضور در رقابت های ملی یا بین المللی دارید؟

قطعاً یکی از اهداف اصلی من، ارتقای سطح فنی ام و کسب کمر بند مشکی در تکواندو است. همچنین دوست دارم در مسابقات ملی و بین المللی شرکت کنم و نام ایران را در این ورزش پرآوازه تر کنم. مسابقات بین المللی نیازمند تجربه، آمادگی و تمرین های بیشتر است و امیدوارم با تلاش و پشتکار، بتوانم در این مسیر قدم بگذارم.

اگر کسی بخواهد تکواندو را شروع کند، چه توصیه ای به او دارید؟

توصیه من این است که اگر واقعاً علاقه دارند، با جدیت این ورزش را دنبال کنند. تکواندو فقط یک ورزش نیست، بلکه یک سبک زندگی است که نظم، اعتماد به نفس و قدرت تمرکز را افزایش می دهد. همچنین توصیه می کنم که علاقه مندان، مربی خوبی را برای یادگیری اصولی انتخاب کنند، چون داشتن

عباسزاده، که یکی از مربیان نام آشنای استان البرز هستند، نقش بسیار مهمی در پیشرفت من داشته اند. ایشان نه تنها یک مربی بلکه یک دوست و راهنما هم هستند. آموزش های دقیق و اصولی ایشان در زمینه فنون پومسه و مبارزه، به من و دیگر شاگردانشان کمک زیادی کرده است. حضور یک مربی حرفه ای که علاوه بر آموزش، انگیزه بخش هم باشد، اهمیت زیادی در پیشرفت ورزشکاران دارد.

تاکنون در چه مسابقاتی شرکت کرده اید و چه عناوینی کسب کرده اید؟

البرز یکی از استان هایی است که برنامه های ورزشی منظمی در تکواندو دارد. هیئت تکواندو استان، مسابقات مختلفی را برای علاقه مندان برگزار می کند که فرصت بسیار خوبی برای ما ورزشکاران است. یکی از مهم ترین مسابقاتی که در آن شرکت کردم، جشنواره مدال باران کیوروگی در شهریورماه امسال بود که موفق شدم در رده سنی خردسالان مدال طلا را کسب کنم. علاوه بر این، در دی ماه، در مسابقات آزاد تکواندو توانستم مقام نایب قهرمانی و مدال نقره را به دست بیاورم. این دستاوردها برای من اهمیت زیادی دارد و انگیزه ام را برای ادامه مسیر بیشتر می کند.

بدون شک هر ورزشکاری در مسیر پیشرفت با چالش هایی روبه رو می شود. شما چه مشکلاتی را تجربه کرده اید؟

مسیر موفقیت در هر ورزشی، به ویژه در تکواندو، سختی های خاص خودش را دارد. یکی از چالش های اصلی، فشار تمرینات سنگین است که به استقامت ذهنی و فیزیکی بالایی نیاز دارد. علاوه بر این، هماهنگ کردن درس و ورزش هم یکی از دغدغه های من بوده است. از سوی دیگر، رقابت در مسابقات

تکواندو، یکی از ورزش های رزمی کره ای که در ایران طرفداران بسیاری دارد، همواره بستری مناسب برای ظهور استعداد های نوظهور بوده است. در این میان، آرام پیوند، تکواندوکاری نوجوان از استان البرز، با پشتکار و تلاش خود توانسته در مدت زمان کوتاهی به موفقیت های قابل توجهی دست یابد. پیوند که در مسابقات اخیر جشنواره مدال باران کیوروگی موفق به کسب مدال طلا شده و در رقابت های آزاد تکواندو نیز عنوان نایب قهرمانی را کسب کرده، یکی از چهره های آینده دار این ورزش محسوب می شود. در گفت و گویی اختصاصی با «دنیای هوادار»، این ورزشکار درباره تجربیات، چالش ها و عوامل موفقیتش صحبت کرد. در ادامه، گفت و گوی ما را با او می خوانید:

از خودتان و مسیر ورودتان به دنیای تکواندو بگویید. چگونه شد که این ورزش را انتخاب کردید؟

من متولد اردیبهشت ۱۳۹۲ هستم و در شهر کرج زندگی می کنم. علاقه به ورزش از کودکی در من وجود داشت، اما ورود جدی ام به تکواندو از سال ۱۴۰۰ آغاز شد؛ زمانی که محدودیت های کرونایی برداشته شده بود و می توانستم فعالیت ورزشی داشته باشم. ابتدا صرفاً برای تجربه و آشنایی وارد این رشته شدم، اما هرچه جلوتر رفتم، علاقه ام به آن بیشتر شد. جذابیت این ورزش، به خصوص تلفیق فنون رزمی با انضباط، دقت و احترام، باعث شد که تصمیم بگیرم به طور جدی آن را دنبال کنم.

چه عواملی در موفقیت شما تأثیرگذار بوده است؟ آیا کسی در این مسیر الهام بخش شما بوده؟

یکی از مهم ترین عوامل موفقیت من، داشتن یک مربی حرفه ای، دلسوز و باتجربه بوده است. خانم مهرناز

